

**پرورش خلاقیت
در کودکان ۵ تا ۷ سال**



آزاده سید میرزایی جهقی

● خلاقیت یعنی توانایی دیدن چیزها به شیوه‌های جدید، شکستن مرزها و فراتر رفتن از چارچوب‌ها، فکرکردن به شیوه‌ای متفاوت، ابداع و اختراع چیزهای جدید. سید احمدی از چیزهای نامرئوس و تبدیل آن به جسم‌های جدید است. برای رشد و پرورش خلاقیت، بهترین زمان، سنین کودکی است. خلاقیت در کودکان با روش‌های مختلفی پرورش می‌یابد و قصه‌گویی یکی از بهترین روش‌های آموزش کودکان خردسال است که به آنان فرصت داستان‌های اجتماعی، حل مسئله، گوش‌دادن فعال، تمرکز، تقویت مهارت‌های کلامی و پرورش خلاقیت را عرضه می‌کند. خلاقیت می‌گوید: «پرورش‌ی که روح کودکان را طریق قصه گسب می‌کند، بسیار بیشتر از تربیتی است که جسم آنها را طریق ورزش کردن گسب می‌کند». از طریق قصه‌گویی می‌توان تغییرات زیادی در زمینه یادگیری و خلاقیت کودکان ایجاد کرد. قصه‌گویی خلق و مستلزم یک ارتباط دو جانبه و متقابل بین قصه‌گو و شنونده است. قصه‌گو با نقل شفاهی یک داستان، برای شنوندگان خود، امکان تصویرسازی ذهنی را فراهم می‌کند؛ همچنان که کودک قصه را می‌شنود و می‌شنود، عمل داستان و شخصیت‌های آن را خلق می‌کند، توانایی تجسم و خیال‌بافی که مبنای تصور خلاق است، در وجود او شکوفا می‌شود. روش‌های متعددی برای قصه‌گویی خلاق وجود دارد. روش‌هایی همانند نقل قصه‌های بدون پایان و تشویق کودکان در تکمیل آنها، نقل قصه‌های بدون عنوان و تقاضا از کودکان برای انتخاب عنوان، شرکت‌دادن کودکان در نمایش‌های خلاق برای ساختن داستان، تصویرگری و نقاشی بر اساس داستان، همچنین، پیشنهاد می‌شود که قسمتی از یک داستان کوتاه که کودکان با آن آشنایی ندارند، خوانده شود و پس از اینکه شخصیتی در داستان معرفی شد به حادثه‌ای رخ داد، از آنها خواسته شود سائلی را که احتمالا در پارکراف بعدی به وقوع خواهد پیوست، پیشگویی کنند. پس از اجرای این تمرین، کودکان باید در گروه‌های کوچک‌تر، به اظهار نظر در مورد نحوه پایان یافتن داستان بپردازند. طایفه‌ای از کودکان می‌توانند با تغییر در جزئیات، به یک توالی پس از یک بیان مشخص درجسته خلاقیت، توصیه می‌کند که پس از نقل داستان، از کودکان بخواهید تا اصل مطلب را به شکل یک تصویر، یک شعر یا شعاع، یک تم یا علامت انتزاعی خلاصه کنند. بسیاری از صاحبان‌نظر، نقاشی همراه با قصه‌گویی را توصیه می‌کنند. یک نیکستری است که داستان‌گویی نوعی تمرین سرگرمی است، ولی رسم داستان هم‌زمان با آنچه گفته می‌شود، همچنان انگیزش است. دستور آن به شرح زیر است: ۱. تمام مدتی که داستان گفته می‌شود، آن را رسم کنید. ۲. با یک یا چند وسیله رسم کنید. ۳. تا پایان داستان، کار رسم کردن را ادامه دهید. در روش دیگر، مربی داستان را می‌گوید که کودکان می‌توانند با ملامت دشمن، روی و رویه‌هایی که توسط او برای او می‌خواند. در این روش توصیه می‌شود که بگذارند بچه‌ها آزادانه و بدون ترس و فشار صحبت کنند. تمام روش‌هایی که برای قصه‌گویی خلاق بیان شد، به‌راحتی در خانه و مدرسه قابل اجراست. نکته مهم آنکه از انتقاد و ارزیابی کودکان پرهیز کنید و آنها را به رقابت وادار نکنید. به ایده‌های نو و ابتکاری بها داده و داستان‌ها را متناسب با سن آنها انتخاب کنید.

بازتولید بی‌مهارتی در ساختار آموزش و پرورش

تختہ سفید

تجدیدنظر در مأموریت نظام آموزشی کشور



است و قابل حس نیست و ناگهان بیدار می شوید و می بینید جامعه پر شده از آدم هایی که کاری نمی توانند انجام دهند.

در خروجی‌های آموزش و پرورش معمولاً افرادی که تربیت می‌شوند هیچ مهارتی ندارند که در جامعه مفید واقع شوند. مهارت درست فکر کردن و با دیگران تعامل داشتن ندارند و به هم بسیار استگین است نظام آموزشی متشکل شود و به سستی برود که این مهارت‌ها را آموزش دهه چاره خود می‌علمانی که پرورش یافته این نظام آموزشی هستند، این اتفاق می‌افتد. در حال حاضر آموزش و پرورش باید خوب مهارت‌ها را بیاندازد و نیاز به یک هدایت و رهبری درست دارد. افرادی باید درگیر این مسئله باشند که

صرفاً ویژگی‌های شان بودن در مجموعه آموزش و پرورش نباشد.

در عین حال، کسانی که موفق می‌شوند از این مسیر عبور کنند، هم فارغ‌التحصیلانی هستند که از سه گروه مهارت‌های زندگی، مهارت‌های اجرایی و مهارت‌های عینی عملاً بهره‌ی زیادی ندارند.

پایله‌های ما نمی‌توانند بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی مشغول به کار شوند، حتی اگر در رشته‌های هنرستانی تحصیل کرده باشند. کارفرماها به‌صراحت می‌گویند حتی وقتی فارغ التحصیلان دانشگاهی (و حتی آموزش پرورشی) را جذب نمی‌کنیم، ابتدا باید کمک کنیم آنچه یاد گرفته‌اند فراموش کنند و بعد تازه به آنها آموزش دهیم. تا زمانی‌که بودجه غیرپرسنلی کمتر از دو درصد

است و با استانداردهای جهانی که ۴۰ درصد است فاصله بسیار زیادی داریم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که با چندبرگردن حقوق معلمان تحولی در نظام آموزشی رخ دهد زیرا برای بالا بردن کیفیت آموزش همین معلم‌ها برنامه‌ای نداریم.

به آموزش و پرورش صنعتی نگاه کنیم

مدیران و نهادهای آموزشی، کارشناسان اقتصادی را در خود جمع نکرده‌اند درحالی‌که آموزش هم صنعتی است که معیار آن سوبسید و یارانه است و می‌توان در آن بهره‌وری را بالا برد و تخصیص منابع بهتری در آن داشت. رتوقع می‌توان بررسی کرد در هفتکری زیاد هزینه کرد و در کجا نیاز به منابع بیشتری است. ناکفته‌نماند آدمهای اقتصادی که با موضوع

آموزش و پرورش آشنا هستند، اندک‌اند. بودجه کشور و از جمله آموزش و پرورش محدود است و باید نقش مدیران حرفه‌ای در سیستم آموزشی تقویت شود.

وقتی آموزش تبدیل شود به ابزاری برای ایجاد ثمنان‌هایی که اقتصاد را به جلو می‌برند، آموزش در انسان سرمایه انسانی موفق بوده است. مانند آنچه در ژاپن و کره و برخی دیگر از کشورهای آسیای جنوب‌شرقی روی داده است. این کشورها از طریق انسان‌های توانمند نتوانسته‌اند فرایند توسعه را تسریع کنند. مجموعه سیاست‌گذاری‌های مناسبی دولت‌ها در عرصه سیاست‌های اقتصادی و تجارت خارجی نداشته‌اند همراه می‌شود با ثمنان‌هایی که مناسب توسعه‌اند. اگر عملکرد نظام آموزشی به شکل‌گیری سرمایه انسانی منجر شود، بسیار موفقیت‌آمیز خواهد بود. اگر مبالغ هنگفتی سرمایه‌گذاری شد و کشور نتواند رشد نکند، بلکه فقرات را بی‌کاری تحویل کرده‌ها یعنی مرتب سطح سواد افراد بالا رود ولی اقتصاد کشور را

می‌رسیم که منابع محدود در عرصه بهینه مصرف نشده است. بر پایه انتخاب شود که از این منابع محدود در چه فعالیت‌هایی استفاده شود. ممکن است کشورهای در حال توسعه در نه‌زهای به این نتیجه برسند که منافع اجتماعی سرمایه‌گذاری در آموزش بسیار پایین است و توجیهی ندارد که این منابع محدود در آموزش صرف شود. در این حالت بودجه دانشگاهی

کم می‌شود زیرا کشور از آن چندان بهره‌برداری ندارد. در واقع در این صورت کسانی که به دانشگاه می‌روند باید حداقل بخشی از هزینه را پرداخت کنند. در اکثر کشورها کمیت آموزش افزایش پیدا کرده ولی کیفیت پایین آمده است.

تمرکززدایی از آموزش و پرورش
باید در همه حوزه‌ها تجدید ساختاری در دیوان‌سالاری دولتی داشته باشیم و در آموزش و پرورش محور چنین تجدید ساختاری، مسئله عدم تمرکز است. در شرایط کنونی اگر پول بیشتری خرج شود، در این ساختار پاسخگو نخواهد بود و ما باید به دنبال عدم تمرکز باشیم. وقتی عدم تمرکز ایجاد شد برویم به سمت بوجه

و مدرسه و این بختی بوده که در کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی هم طرح شد این بود که هیئت رئیسه مدرسه با انجمن اولیا و مربیان خودشان بتوانند در بودجه کتلی هزینه بایستد و در مورد هزینه‌های کردن بودجه حرفی برای گفتن نداشته باشند. این عدم تمرکز بهتر است در این مقطع به شورای شهر سپرده شود و این خود باعث می‌شود. شورای شهر از وضعیت نسبتاً سیاسی که در بعضی از شهرهای بزرگ دارد، بیرون بیاید و درگیر کار بجرائی شود. باید به صورت جدی به عدم تمرکز فکر کرد و منابع را بین واحدهای کوچکتر تقسیم کنیم و اجازه تصمیم‌گیری مناسب با وضعیت هر منطقه اتفاق بیفتد. این یک محور اصلی در بحث صلاح موقعیت مالی مدارس است.

مسئله دیگری که وجود دارد رابطه مدرسه با کسب‌وکار است. در کشور آلمان بخش عمده‌ای از فارغ‌التحصیلان مدرسه تا کلاس یازدهم در مقیاس صنایع بخش می‌شوند و به دانشگاه در آن بینایی می‌دهند که ما در ایران داریم، نمی‌روند. از طریق مدارس باید افراد برای کسب‌وکار آماده شوند. در شرایط کنونی در حوزه کارگاه‌های ماهر مشکل زیادی داریم و بیشتر افرادی تربیت شده‌اند که ضرر دارند و ادعا، اینجاست که لازم است صنعت بهود پیدا کند.

در تمام سال‌هایی که از شکل‌گیری و تصویب لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی گذشته است، بلااستثنا بودجه آموزش و پرورش دانما دچار کسری بودی حتمی برای هزینه‌های جاری‌اش، در شرایط فعلی همه می‌دانند بودجه‌ای که برای آموزش و پرورش تصویب می‌شود، خرج ۱۰ یا ۱۱ ماه آموزش و پرورش است و باید در دو ماه آخر از اصلاح بودجه استفاده کنند تا هزینه‌های دو ماه آخر را پرداخت کنند، تازه با همین کیفیت که دیده می‌شود، درحالی‌که اگر در اختیار شورای شهر گذاشته و همین بودجه به‌عنوان کمکی به این نهاد داده شود و آموزش و پرورش به جای مجری بودن خود مسئول بر کار باشد و استانداردها را بگوید و کیفیت‌ها را ببیند، قطعاً کیفیت آموزشی ارتقا پیدا خواهد کرد و این مسئله در همه جای دنیا تجربه شده و نتایج خوبی گرفته شده است. در سطح عموم اگر اختیار به شوراهای داده شود و بودجه آموزش و پرورش همین‌که هست باشد و این را آموزش و پرورش خرد کند و به صورت سوسپند به این افراد دهد، قطعاً اتفاقات بهتری در بخش آموزش و پرورش می‌افتد که البته هنوز کار باید تدریجی باشد.

ساختار آموزشی وزارت آموزش پرورش به طور کلی باید تغییر کند و روش تقویتی اختیار به استان‌ها و مناطق برای سازماندهی استان‌ها با توجه به تفاوت‌های فرهنگی که در کشور وجود دارد، باید تغییر کند و البته فتن حرف و رسیدن به این نتیجه بسیار آسان‌تر است. آنچه به نتیجه می‌رسد و محصول آن با تغییر بسیاری رخ خواهد داد. کارشناسان معتقدند استراتژی دیگری وجود دارد که در زمان کوتاه می‌توان به نتیجه خوبی رسید، حداقل در سطح یک روستا یا مناطق دروازه‌دتری که دچار فقر مطلق آموزشی است. در واقع با تجهیز امکاناتی که فراهم می‌شود باید بتوان به نتایج ملموسی رسید. نتیجه مثبت این کار کوچک به شرط انعکاس خوب در جامعه باعث جذب امکانات بیشتر خواهد شد. در بخش دولتی سند آن به راحتی بیرون نمی‌آید و کمتر افراد وقت خواهند گذاشت و یک عده‌ای هم ممکن است مدتی در مورد این مسئله صحبت کنند و به نتیجه نرسند.

یاد آوری

**مدرسه و آموزش
ظرفیت زندگی جمعی**

● برای انتشار اولین شماره «تخته سفید» از استاد قانع‌ای‌راد مشورت گرفتم. از ایده روزنامه «شرق» برای راهدانازی صفحه اختصاصی آموزش و پرورش استقبال کردند و برای راهدانازی این صفحه، نکات و سؤو‌ه‌های ارزشمندی را مطرح کردند. بخشی از یادداشت ایشان در اولین شماره، جهت یادآوری باز نشر می‌شود.

مدرسه و آموزش ظرفیت زندگی جمعی

یکی از اولویت‌های پژوهش در مدرسه، پرداختن به مدرسه‌پایه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی است. مدرسه‌پایه زمینه‌ساز آشنایی کودکان با دنیای بیرون است. شهروندی باشد؛ درمیان یک پیشتر به مبانی اخلاق خانواده‌مندی بزرگ شده‌اند و اکنون به‌پایه تدریج از زندگی در شهر را آغاز کنند. شهروندی یعنی کسی که صرف‌نظر از جایگاه جنسیتی، قومی، نژادی، مذهبی، زبانی‌اش به شهر تعلق دارد و شهروندی عبارت است از آموزش‌دادن یک مجموعه از ارزش‌ها و الگوهای رفتاری تا آدمیان بتوانند با وجود تفاوت‌های خود با دیگران زندگی کنند. بخشی از آموزش مدرسه‌ای همان آموزش شهروندی - و در دنیای معاصر آمیخته با آموزش جهان‌مندی- است که آدمیان بتوانند در یک جامعه با هم زندگی کنند، تعامل داشته باشند و درک مشترکی بین آنها وجود داشته باشد. درک شهروندی مشترک در چارچوب مناقشه مشترک، میثاق مشترک و چشم‌اندازهای استریزی از تعامل، ارتباط و بند و بست شکل می‌گیرد.

ویژگی کارکردی مدرسه، کاری است که از نهاد خانواده، بازار، دولت، رسانه و... برمی آید و تنها مدرسه قادر به انجام آن است. این کارگر را شاید بتوان در مقابل نهاد خانواده تعریف کرد. خانواده را طبعی‌ترین غرایز انسانی و نامرزیستی پیوند می‌دهد. یکی‌تسری‌کردن درحالی‌که مدرسه، کودکان را در معرض امر اجتماعی قرار می‌دهد. از نظرگاه جامعه‌شناسی می‌توان امر اجتماعی را معادل امر اخلاقی در نظر گرفت. در مورد جایگاه اخلاقی خانواده دو رویکرد متعارض وجود دارد. گفتن خانواده‌گرایی، تلاش دارد تا خانواده را به‌عنوان یک فضای صمیمت خصوصی، یک واقعیت تعالی یافته از فضای خود، یک شخصیت فراخانسی و دارای یک زندگی و روح مشترک برساند و حتی خانواده، به‌عنوان الگوی ایده‌آل روابط انسانی، مکان دوستی، اعتماد و دهش در برابر فضای سرد و بی‌روح زندگی اجتماعی قرار دهد. دیدگاه اتوبیک جامعه‌گرایی - برای مثال در نمونه مدینه فاضله افلاطون - برخلاف دیدگاه خانواده‌گرایی حتی معتقد است که باید کودکان را از والدین گرفت و به یک مدرسه عمومی سپرد. در برابر دیدگاه تقابل‌گرایی خانواده و مدرسه، دیدگاه واقع‌گرایی‌تر به معنای پذیرش خانواده و مدرسه به‌عنوان دو نهاد جامعه‌پذیری و دو نهاد اخلاقی است. خانواده نیز یک نهاد اخلاقی است ولی کودکان پس از آموزش اخلاق خانوادگی که جنبه جامعه‌گرایی دارد به آموزش نامرزی‌تری نیاز دارند که آنان را به یکسری بزرگ‌تری به نام جامعه پیوند دهد. علاقه به مدرسه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی به معنای اولویت دادن به این مسئله است که مدرسه تا چه مقدار در کنار آماده‌کردن کودکان برای زندگی آزاد و خلاق در یک دنیا مبتنی بر تفاوت و تمایز و تکرر، درعین حال امکان دست‌یابی دانش‌آموزان به دانش مشترکی را فراهم می‌کند که برای همه‌ی‌تسری آنان به‌عنوان اعضای یک کلیت فراگیرتر و درعین حال مبتنی بر عدالت اجتماعی ضرورت دارد.

		1				6		
	8			4	7			
	9	5			6	3		
6		7	4					
	1		7		3		9	
					5	4		6
		8	6			7	2	
			3	5			8	
		3				5		

				Λ				Ψ
⋄				Υ		Υ		
Λ	Υ			Ι	Ψ			Ω
Ω	Υ					Ψ		Υ
Υ								Υ
Ψ		Υ					Θ	Ι
Θ				Λ	Υ		Ι	⋄
		Ψ			Υ			Λ
Ι				Υ				

حل سوئکو ۲۱۳۰	۲	۵	۴	۳	۶	۸	۷	۹	۱
حل سوئکو ۲۱۳۱	۸	۱	۵	۷	۶	۴	۳	۵	۲
حل سوئکو ۲۱۳۲	۳	۶	۷	۵	۱	۴	۸	۲	۵
حل سوئکو ۲۱۳۳	۵	۳	۸	۶	۴	۲	۵	۱	۷
حل سوئکو ۲۱۳۴	۷	۴	۶	۳	۱	۹	۸	۵	۲
حل سوئکو ۲۱۳۵	۱	۶	۹	۸	۵	۷	۴	۳	۲
حل سوئکو ۲۱۳۶	۴	۸	۳	۱	۷	۵	۲	۶	۹
حل سوئکو ۲۱۳۷	۹	۴	۵	۲	۸	۶	۱	۷	۳
حل سوئکو ۲۱۳۸	۶	۷	۱	۴	۹	۳	۵	۲	۸
حل سوئکو ۲۱۳۹	۳	۹	۴	۶	۷	۲	۵	۱	۸
حل سوئکو ۲۱۴۰	۸	۵	۷	۴	۱	۳	۶	۲	۶
حل سوئکو ۲۱۴۱	۶	۵	۱	۲	۹	۸	۳	۴	۷
حل سوئکو ۲۱۴۲	۱	۴	۳	۲	۵	۷	۸	۶	۹
حل سوئکو ۲۱۴۳	۵	۴	۶	۳	۱	۹	۴	۷	۱
حل سوئکو ۲۱۴۴	۹	۷	۸	۱	۴	۶	۵	۲	۳
حل سوئکو ۲۱۴۵	۴	۳	۹	۵	۶	۱	۷	۸	۲
حل سوئکو ۲۱۴۶	۷	۶	۵	۳	۴	۹	۱	۳	۴
حل سوئکو ۲۱۴۷	۲	۸	۱	۷	۳	۴	۶	۹	۵

[illegible][illegible]

جدول ۳۱۳۶ ■ طراح: بیژن گورانی

فقہی:

- ۱- کتابی از جواد مجابی، نویسنده و طرزی‌دار کشورمان - رویداد ناگوار ۲- ضمیر دوم شخص مفرد - چاه آبی که خداوند در زیر پای اسماعیل جاری ساخت - تیراز- صوری ۳- از یامهران بنی‌اسرائیل - در کبد تلویید می‌شود - از اقات نباتی ۴- عنکبوت - فروتن، متواضع ۵- خودروی فرانسوی ۶- از باشگاه‌های فوتبال اسپانیا- سیستمی برای نمایش تصویر رنگی در تلویزیون ۶- باشکوه- میوه‌ای دوغنی ۷- دل‌انگیز- پسر سهراب در شاهنامه- زیرست ۸- کافی- حرکات ورزشی رمزی نمایشی- همسایه عراق و سوریه- میانه ۹- رسانه شنیداری- خوستار- دل سنت بودن ۱۰- چیز ارزشمندی که به دیگری بخشیده شود- مرکورکروم ۱۱- ردیا- گرم روده- از اعمال حج ۱۲- محافل فارسی تراکتور- بازیگوشی ۱۳- بحر- پسر خالفت معاویه- پستانداری غلفخوار ۱۴- باکوش‌های دراز ۱۴- دندانه سوهان- جسمی- بن‌ظیر- قومی ایرانی ۱۵- داغ داغ- درای توانایی برای انجام کارهای گوناگون.

عمودی:

- ۱- زمستان- زحمتکش- مردان خدا
- ۲- خبرنامه- نام‌ها- هفتمین ماه قمری ۳- از:
آلات موسیقی آذری- اهل جهنم ۴- چاره و
علاج- لایه درونی کره چشم- اسب بارکش
- ۵- غیرحرفه‌ای- ولگردان- سدی در خوزستان
- ۶- کد سرخ- جانشینی- آرامش‌دادن ۷- مرغ
سعادت- زیاده‌روی- از ملزومات اداری ۸- پرداخت
وجه به حساب بانکی- مربوط به اداره ۹- سکه